

بهار زرخ کیمه

مجلسی در اسنادی است...

مجلسی در اسنادی است...

مادره عشق تو اسیران بلانیم کس جیت پین عاشق بیچاره کوه ما نیم

بر ما نظری کنی درین شیخ بیسیم
بر ما مری کنی درین ملک کدایم
بوی نیکو بوی خرابانیت نیم
و جدی نیکو گر در خرابانیتیم

بهار زرخ کیمه
مادره عشق تو اسیران بلانیم
کس جیت پین عاشق بیچاره کوه ما نیم

برادر زرخ کوه زشت استاق لقا
ما ز غم فروغ و جوش شست
اگر حرف چه بر سر کیم و صبر بلانیم
ترسیدان چون کس از صبر ما بود

حلاج و شایم که از دار سرسیم
مجنون صفت اینیم که در عشق خرمیم
جلال الجبر کوه

مجلسی در اسنادی است...

مجلسی در اسنادی است...

در میان انواع گوناگون هنرهای اسلامی، بی‌تردید خوشنویسی از اعتباری ویژه و اهمیتی خاص برخوردار است. چه رسالت عمده این هنر که در واقع کتابت قرآن مجید بوده، از همان نخستین مراحل، زمینه‌های مساعد رشد و توسعه و تکوین این هنر را مهیا ساخته است. هنری که سواى کتابت قرآن مجید، بر تن دیوارهای

دین‌داری در خط‌نویسی شکلی فلسفه

این هنر را تنها تنی چند از نام‌آوران سبب نمی‌شوند چرا که زمینه گسترده تجربه هنر خوشنویسی مدیون هنرمندان بسیاری است که بی‌هیچ ادعا سهمی عمده در باروری این هنر داشته‌اند، تا جایی که توان گفت به هر دوران و زمانی که هنرمندی نل‌آور و چیره‌دست در این هنر رخ نموده است، بی‌تردید میدان عمل را تجارب پربهای هنرمندانی بوجود آوردند که خود در گمنامی بسر بردند. سه قرن تلاش، تجربه هنرمندان گمنام، خوشنویسان با استعداد مسلمان است که سبب ظهور «ابن نفل» در هنر خوشنویسی می‌گردد و اوست که این تجارب را چونان نهضتی در روند خوشنویسی و پاگیری و اعتبار خط در جهان اسلام تثبیت می‌کند. و به قرنی بعد با ظهور «ابن بواب» و سایر هنرمندان چیره‌دست خوشنویسی صاحب اعتباری تازه و شیوه‌هائی فراخور تحسین می‌گردد، تا جایی که زیبایی و استواری خطوط اسلامی مدیون تلاش‌های بی‌وقفه و عشق و الفت خطاطان و تجارب پر ارزش آنان می‌گردد. شگفتا که در این میان با همه نام‌های آشنا، تاریخ خوشنویسی اسلامی نشان می‌دهد که در عرصه رقابت و خلاقیت همه‌گانه شاگردان و پیروان خطاطی هنرمند و پرآوازه در ادامه راه استاد بر او چیره شده و پیشی گرفته‌اند چندانکه یاقوت مستعصمی با همه نام و آوازه در هنر خوشنویسی در مکتب خود شاگردانی را تعلیم داد که در مقام مقایسه گاه صاحب چیره‌دستی و مهارت بیشتری از او بودند، هنرمندانی چونان احمد سهروردی، یوسف مشهدی مبارک تبریزی و ارغون کابلی. و شاید به جرئت توان گفت عرصه هنر خوشنویسی بر

کاشیکاری شده در قالب گچبری‌های نفیس محراب مساجد، بر برگ برگ صفحات کتابهای مختلف در طول حیات کهن و پر دامنه‌اش جایگاهی فراخور تحسین و رسالتی عمده بردوش داشته است.

نگاهی سریع بر تاریخ خوشنویسی در هنر اسلامی گواه این ادعا است که رونق و اعتبار





میزان سنجش تنها براساس یادگارهای کلک هنرمندانی نهاده شده که آثارشان تا به امروز باقی مانده است، بطور نمونه از میرعماد سیفی قزوینی باید نام برد که قطعات، مرقعات، رسالات و کتب بسیاری از آثار کلک او در موزه های ایران

خلاف سایر هنرها، هرگز انحصاری نبوده زمینه تجربه و رشد همگان در این هنر همه گاه مهیا بوده است، هم بدین دلیل در تاریخ هنر خوشنویسی اسلامی نامها بسیارند، کاتبان بی شمارند و سهم ها فزون. اما دریغ که



و جهان تا به امروز نگاهداری می شود، میرعماد که از هنرمندان چیره دست زمان خود است بدلیل موقعیت ویژه و اعتبار و شهرت بسیاری که در ایام حیات خود می یابد امکان تجربه و نگارش بیشتری یافته است، اما باید گفت چه بسیار میرعمادها که بعد از او در طول تاریخ خوشنویسی متولد می شوند، اما بی هیچ نامی و نشانه ای. پس همتی باید که از میان بسیاری آثار خوشنویسان چه در کتابت قرآن مجید و چه سایر کتب خطی سهم ها و نام ها را بازشناسیم.

غرض از این نگاه و مقدمه کوتاه ضرورت تحول خوشنویسی و نگاهداشت ارزش های این هنر در روند هنر بعد از انقلاب اسلامی است، چرا که خوشنویسی با تمامی پشتوانه های غنی و اعتبار و ویژه با تاسف بدلیل بسیارچندان رشدی فراخور شأن این هنر نیافته است و بی آنکه سهم هنرمندان چیره دست معاصر و با ذوق این هنر را نادیده بگیریم، انتظار در تحولی اساسی و رونقی تازه را مطرح می نمائیم. جا دارد انجمن خوشنویسان که دارای سابقه ای نسبتاً طولانی و مفید است گسترش یابد و علاقمندان و افراد با ذوق بیشتری در زمینه خط و خوشنویسی تعلیم داده شود، نباید گذاشت در هجوم توسعه صنعت چاپ هنر خوشنویسی رنگ رخ ببازد و به ورطه فراموشی سپرده شود فصل نامه هنر که با هدفی در اشاعه و رونق مجدد هنرهای اصیل اسلامی وظیفه و تعهدی بردوش دارد می گوشتد با مطرح نمودن ارزش های کار هنرمندان با استعداد در زمینه خط انگلیفه ای هر چند کوچک در باروری این هنر به انجام رساند.

عباس اخوین در سال ۱۳۱۶ در شهر مشهد متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مشهد و تهران پایان رسانید. وی از سن «۹» سالگی با توجه به علاقه و استعدادی که در زمینه خوشنویسی داشت کار خط را دنبال نمود و پس از اخذ دیپلم نزد مرحوم استاد علی آقا حسین که از شاگردان استاد عمادالکتاب بود به مدت دو سال تعلیم خط گرفت و سپس با تلاش و کوشش بی وقفه در زمینه خوشنویسی تجارب بسیار آموخت. وی هم اینک به کار تعلیم هنرجویان در انجمن خوش نویسان مشغول است.

عبداله فرادی، در خانواده ای اهل علم و قلم به سال ۱۳۰۶ شمسی در تهران متولد شد، و با پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه به دانشگاه راه یافت و در رشته های زبان فرانسه، حقوق قضا و ادبیات فارسی به اخذ دانشنامه موفق گردید. وی کار خط و خوشنویسی را از همان اوان کودکی دنبال نمود و در طول حیات هنری خویش با هنرمندان خطاطی چون، عماد طاهری، غلامرضا خوشنویس، و علی مخصوص و امیرالکتاب و زرین خط و علی آقا حسین موسوی و سید حسن میرخانی و علی اکبر کاوه به کار و تجربه آموزی پرداخت و هم اینک در انجمن خوشنویسان به کار تعلیم هنرجویان مشغول است.

از آثار عبداله فرادی می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

فرمان مالک اشتر، مرات العارفین شیخ احمد شاهرودی، کار در کتیبه های مختلف مساجد و اماکن متبرکه ایران و شرکت در نمایشگاههای مختلف انجمن خوشنویسان.